

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹

موضوع: فرقه «احمد الحسن» یا «احمق الحسن»!!

(سخنرانی در سپاه خلیل آباد، کاشمر)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

پیشینه شبهه و حمله به مقدسات مکتب تشیع

اندر برکات ظهور فرقه انحرافی «احمد بصری»!

فرقه «احمد الحسن» یا «احمق الحسن»!!

حاضر م ثابت کنم «احمد بصری» مرتد و کافر است!!

اثبات حقانیت یک فرقه با روایات معصومین یا با خواب و استخاره؟!

مقابله با فرقه ضاله «احمد بصری» با «برهان مقایسه»!

آیا اینگونه اعتقاد به حضرت ابراهیم و حضرت یونس، ارتداد نیست؟!

انکار خاتمیت پیامبر اسلام، شاهکاری دیگر از «احمد بصری»!

«احمد بصری» هم برای خود، و هم برای ائمه مقام نبوت قائل است!!

جسارت بسیار وقیحانه «احمد بصری» به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

تقدیم به پیشگاه مقدس و باعظمت حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلواتی عنایت بفرماید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و سپاس دیگر که به ما توفیق داد امروز در این جمع شما عزیزان و گرامیان حضور رساندیم تا دقایقی با شما سخن بگوییم.

موضوع بحث ما تهاجم فرهنگی و برخی از شبهاتی است که امروز در فضای مجازی در سطح کشور و در فضای حقیقی در منطقه شما مطرح است.

پیشینه شبهه و حمله به مقدسات مکتب تشیع

البته اگر بخواهیم قضیه القاء و ایجاد شبهه را ریشه یابی کنیم و پیشینه شبهه را مطرح کنیم، پیشینه شبهه به عصر نبوت و رسول گرام اسلام برمی‌گردد.

از روزی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای خلافت و ولایت و امامت منصوب شد بحث شبهه علیه وجود نازنین امیرالمؤمنین و جایگاه ایشان مطرح شد. اگر شما به تاریخ اسلام مراجعه کنید، خواهید دید در اولین روزی که ولایت و خلافت امیرالمؤمنین با نزول آیه شریفه:

(وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن.

سوره شعراء (۲۶): آیه ۲۱۴

مطرح شد، رسول اکرم در اولین جلسه اعلان رسالت، ولایت امیرالمؤمنین را هم قرین رسالت اعلام فرمودند. کتب شیعه مملو از این روایات است، همچنانکه در کتب اهل سنت مثل «تاریخ طبری»، «تاریخ ابن اثیر» دیگر کتب مفصل این قضیه آمده است. «طبری» مفصل نقل می‌کند که رسول اکرم دست بر شانه حضرت گذاشت و فرمود:

« ان هذا أخي ووصي وخليفتي فيكم، فاسمعوا له وأطيعوا »

به مجرد اینکه خلافت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مطرح شد؛

«فقام القوم يضحكون ويقولون لأبي طالب قد أمرك أن تسمع لابنك وتطيع»

مردم بلند شدند، مسخره کردند و به ابوطالب طعنه زدند که محمد به تو دستور می‌دهد از فرزند خودت تبعیت کنی.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،

ج ۱، ص ۵۴۲، باب ذكر الخبر عما كان من أمر نبي الله عند ابتداء الله تعالى ذكره إياه

مشاهده کنید بعد از آن قضیه در هر مرحله‌ای که بحث خلافت امیرالمؤمنین مطرح بود، خالی از هجمه بر ضد حضرت نبود.

بعضی افراد معتقدند که چون امیرالمؤمنین در زمان حضور پیامبر و یا بعد از ایشان در جنگ‌ها بسیاری از دشمنان را به درک واصل کرده بود و بستگانشان در میان اینها بودند، لذا اینها کینه امیرالمؤمنین را به دل داشتند و بعد از رحلت نبی مکرم، با خلافت امیرالمؤمنین مخالفت کردند، حقیقت ندارد.

قضیه این است که روحیه ریاست طلبی در قریش نمایان بوده، به طوری که همانطور که با رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مخالفت می‌کردند، با ولایت امیرالمؤمنین نیز مخالفت می‌کردند.

بعد از رسول خدا این هجمه‌ها به مراحل رسیده که به تعبیر «زمخشری» یکی از علمای بزرگ اهل سنت، در طول ۸۰ سال بر بالای هفتاد هزار منبر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب و لعن می‌کردند.

در سال ۹۸ یا ۹۹ هجری وقتی «عمر بن عبدالعزیز» می‌خواست سب و لعن علی بن ابی طالب را از منبرها و خطبه‌های نماز جمعه حذف کند، مردم در همان سخنرانی وی، از گوشه و کنار فریاد زدند:

«السنة السنة يا أمير المؤمنين تركت السنة»

تو سنت پیغمبر اکرم را نابود می‌کنی.

إحقاق الحق وإزهاق الباطل؛ تألیف: العلامة القاضي السيد نور الله الحسيني المرعشي التستري، مع

تعليقات نفيسة هامة للعلامة الحجة السيد شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي، ج ۳، ص ۴۰۸

یعنی هجمه‌ها بر ضد امیرالمؤمنین به جایی رسید که سب علی بن ابی طالب به «سنت النبی» تبدیل شده بود!!

اندر برکات ظهور فرقه انحرافی «احمد بصری»!

بنابراین اگر امروز می‌بینیم وهابیت از یک طرف، فرق انحرافی از طرف دیگر، خودی‌ها از یک طرف و استکبار جهانی از یک طرف مذهب شیعه و نظام جمهوری اسلامی را از زمین و زمان هجمه باران و شبهه باران می‌کنند جای تعجب نیست.

این هجمه‌باران‌ها نشانه حقانیت مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و نشانه صداقت نظام جمهوری اسلامی است که این حجم از دشمنی و شبهه و هجمه علیه اوست. ما به هیچ وجه نباید علیه این هجمه‌ها از خودمان ضعف و سستی نشان بدهیم، زیرا:

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!

قبل از آنکه یمانی‌های دروغین در جامعه مطرح شوند، شاید بسیاری از روایات مربوط به اهل بیت در رابطه با قضیه یمانی حتی برای خود ما هم قابل توجه نبود که برای آن وقت بگذاریم.

ما تنها در روایات شنیده بودیم که قبل از ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مردی از یمن قیام می‌کند و زمینه ظهور حضرت بقیة الله الأعظم را فراهم می‌کند و با دشمنان حضرت می‌جنگد، اما به صورت اجمالی از کنارش عبور می‌کردیم.

وقتی یمانی‌ها آمدند ما مجبور شدیم تمام روایاتی که مربوط به یمانی، سفیانی و سید خراسانی است را بحث و تنقیح کنیم تا کاملاً روشن و اطلاع رسانی شود.

این مسائل برکات زیادی دارد. گرچه ما در کنار این فعالیت‌ها تلفاتی هم می‌دهیم، چرا که رسیدن به هر کمالی نیازمند یک سری مشکلات و مسائل و تلفاتی است که باید پرداخت کرد و این طبیعی کار است.

قضیه یمانی امروز به فتنه‌ای تبدیل شده که اگر ریشه‌یابی شود، ریشه‌هایش کاملاً به آمریکا و اسرائیل برمی‌گردد. پشتیبانی مالی که در این قضیه از یمانی‌ها می‌شود، دست استکبار جهانی و دست وهابیت در این قضیه کاملاً مشهود است.

لذا تقاضا دارم در مورد همین قضیه که به قول معروف «لیس اول قارورة کسرت فی الإسلام» است، قضیه یمانی شاید آخرین شبهه و پایان بخش شبهات نباشد. چه بسا بعد از این شبهات دیگر، یمانی‌های دیگر و دجال‌های دیگری هم ظهور پیدا کنند.

فرقه «احمد الحسن» یا «احمق الحسن»!!

بنده با توجه با تجربیاتی که شخصاً دارم، نکاتی را خدمت شما عرض خواهم کرد. یکی از توفیقاتی که خداوند عالم در طول مدت پنجاه سال تحصیل حوزوی نصیب بنده کرد، این است که عمر اینجانب با مناظرات سپری شده است.

بنده در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ با کمونیست‌ها مناظرات مختلفی داشتم. همچنین با صوفی‌ها و حتی قطب‌هایشان مناظرات و جلسات مختلفی داشتم.

بنده همچنین با وهابی‌ها بیش از دویست مناظره در خاک عربستان داشتم که مجموع این مناظرات در سه جلد به نام «قصه الحوار الهادی» چاپ شده که فایل پی دی اف آن هم در اینترنت موجود هست.

شاید کمتر فرقه انحرافی باشد که بنده توفیق برخورد و مناظره با آن‌ها را نداشته باشم، اما بی‌پرده بگویم در میان افرادی که با آن‌ها بحث کردم فرقه‌ای بی‌محتواتر، بی‌عقل‌تر و بی‌ارزش‌تر از فرقه یمانی و «احمد بصری» در عمرم ندیده‌ام!!

آن‌ها معمولاً تلاش می‌کنند در گوشه و کنار کشور افراد ناآگاه و بی‌اطلاع را پیدا کنند و آنها را شستشوی مغزی بدهند. این فرقه در مواجهه با افرادی که از الفبای مهدویت آگاهی دارند، کاملاً دوری می‌کنند و حاضر نیستند روبرو شوند.

«احمد بصری» در سال ۱۳۸۵ نامه‌ای به علمای ایران نوشته که این نامه در اینترنت هم موجود است. او علما را برای مناظره دعوت کرده بود. قسمتی از متن نامه چنین است:

«رسالته إلى السيد القائد و عدد من العلماء نشر أحمد إسماعیل رسالة مفتوح إلى السيد القائد خامنه‌ای

(حفظه الله تعالى)»

نفر اول که ایشان در نامه خطاب کرد مقام معظم رهبری و نفر دوم بنده بودم. ما این نامه را به قدری بی‌ارزش تلقی کردیم که حیف دانستیم حتی یک دقیقه برایش وقت بگذاریم.

خداوند جناب آقای «راشد یزدی» را حفظ کند. اگر شما در اینترنت «راشد یزدی» + «احمق الحسن» را سرچ کنید، این مطلب را در سایت‌های مختلف پیدا می‌کنید.

ایشان می‌گویند من در مشهد بودم که یکی از اتباع یمنی‌ها نامه‌ای به بنده داد که من آن را خدمت مقام معظم رهبری دادم. آیت الله خامنه‌ای نامه را که خواند، گفت: این شخص «احمد الحسن» نیست، بلکه «احمق الحسن» است.

مقام معظم رهبری به آقای «راشد یزدی» گفته بودند دیگر از این قبیل نامه‌ها دریافت نکنید و برای من هم نیاورید. آن‌ها را رها کنید، زیرا اینها عددی نیستند.

او واقعاً هم «احمق الحسن» هست و به نظر بنده آیت الله خامنه‌ای خیلی به او احترام گذاشتند که او را «احمق الحسن» خطاب کردند، زیرا قضیه خیلی عمیق‌تر از این حرف‌هاست.

حاضر من ثابت کنم «احمد بصری» مرتد و کافر است!!

بنده در طول پنج، شش سال اخیر که در این حوزه ورود پیدا کردم، بیش از صد بار در رسانه‌های بین‌المللی و فضای مجازی اعلام کردم که آمادگی دارم با این آقا مناظره و مباحثه داشته باشم.

بنده در جلساتی هم که در کاشمر داشتم، گفتم اعلام کنید «قزوینی» می‌گوید من حاضرم با این آقا هم مناظره و هم مباحثه کنم. مباحثه از معجزات اسلام است، به طوری که ائمه اطهار (علیهم السلام) بارها به اصحاب امر می‌فرمودند:

«و باهلوهم فی علی بن اَبی طالب ع»

در مورد امامت علی بن اَبی طالب با مخالفین بحث و مناظره و مباحله کنید.

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱،

فصل فی النهی عن الجدال

مباحله فعلی است که اگر با شرایطش انجام بگیرد طرف باطل فی المجلس نابود می شود. مباحله معجزه اسلام است که هم شیعه این مطلب را قبول دارد، هم سنی آن را قبول دارد و هم وهابیت قبول دارند.

هشت سال پیش در «شبکه المستقله» که وابسته به عربستان سعودی است، مناظرات مختلفی میان علمای وهابی و شیعه همانند «دکتر تیجانی» و دیگران صورت گرفت.

علمای شیعه در این مناظرات اعلان مباحله کردند. وهابی ها ابتدا قبول کردند، اما بعد حاضر به مباحله نشدند و یقین کردند مباحله یعنی نابودی و رسوایی و باز شدن مشیت وهابیت! وهابیت ده، دوازده جلسه با شیعه بحث کردند و در آخر اعلام کردند ما با شیعه مباحله نمی کنیم. این مسائل کاملاً مشخص است.

این شخص ادعا دارد که من فرزند امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستم و از جانب ایشان مأمور شدم که زمینه ظهور حضرت مهدی را فراهم کنم.

او ادعا می کند مراجع عظام تقلید مانع ظهور و فرج آن بزرگوار هستند که باید آنها را از سر راه برداریم و حوزه های علمیه را از سر راه برداریم. اگر این افراد راست می گویند، برای مباحله و مناظره حاضر شوند.

بنده گفتم اگر اتباعش هم می خواهند برای مناظره بیایند حرفی ندارم، اما مناظره من در رابطه با اینکه «احمد الحسن» پسر حضرت مهدی است یا از طرف حضرت مأموریت دارد و... نخواهد بود. مناظره من در اثبات کفر و

ارتداد «احمد الحسن» است!!

اگر توانستم ثابت کنم که این شخص کافر و مرتد است که قضیه روشن است، اما اگر نتوانستم ثابت کنم حاضر به مباحله هستم.

مباحله در خصوص اینکه اگر این شخص کافر نیست خداوند فی المجلس بر من عذاب نازل فرماید، اما اگر ثابت کردم که «احمد الحسن» کافر و مرتد است عذاب به اتباعش نازل شود. اگر این افراد حاضر هستند و واقعاً راست می‌گویند، به میدان بیایند.

اثبات حقانیت یک فرقه با روایات معصومین یا با خواب و استخاره؟

این مسئله شوخی بردار نیست که مردم را با ادعاهایی همانند حدیث وصیت، خواب دیدن، استخاره گرفتن یا مواردی از این قبیل بازی دهند. این‌ها مسخره بازی است!

صد و بیست و چهار هزار پیغمبر از طرف خداوند مأمور شدند و از دنیا رفتند. کدام یک از آنها خواب و استخاره را معجزه خود قرار دادند؟

چهارده معصوم آمدند و رفتند. کدام یک از ائمه اطهار گفتند من بر حق هستم، فرزند پیغمبر هستم، شما برای اثبات امامت من استخاره کنید؟

اتباع او ادعا می‌کنند که دلیل حقانیت ما این است که شما یک شب فلان خواب را می‌بینید. این در حالی است که کسی که در هیپنوتیزم یا تسخیر روح کار کرده خیلی راحت می‌تواند روح شما را به دست بگیرد و آنچه که اراده بکند را از زبان شما بیرون بکشد.

علم روز هم مسئله هیپنوتیزم را ثابت کرده است. هیپنوتیزم یک مطلب ساده و پیش پا افتاده است. شخصی که چندین سال دوره ببیند و ریاضت بکشد کاملاً مسلط می‌شود. چنین شخصی آنچه را که نیت و اراده کند بر وجود شما منتقل می‌کند.

اتباع او به شما می‌گویند شما امشب خواب می‌بینی و فلان موضوع را هم در خواب می‌بینی. فردا هم به شما زنگ می‌زنند و می‌گویند که فلان خواب را دیدی یا نه! این مسئله یک بحث طبیعی است. مشکل ما اینجاست که آگاهی نداریم و از قضایا بی‌اطلاعم.

کدام یک از ائمه یا اصحاب ائمه اظهار ادعا کردند که برای اثبات حقانیت ائمه اظهار استخاره کنید؟ کدام یک از ائمه اظهار ادعا کردند شما خواب می‌بینید که آیا من حق هستم یا نیستم؟

برای اثبات حقانیت ملاک‌هایی هست. ائمه اطهار (علیهم السلام) در حلقه وکالت از زمان امام کاظم (علیه السلام) تا زمان امام حسن عسکری صدها وکیل به شهرها و روستاها معرفی کردند. ائمه اطهار وکلایی انتخاب می‌کردند و نامه‌ای به رؤسای قبایل می‌نوشتند.

به عنوان مثال امام هادی برای شهر همدان وکیل فرستادند. آن زمان در همدان سه یا چهار قبیله بود. حضرت برای رؤسای قبایل نامه نوشتند که فلان شخص وکیل من است. اطاعت او اطاعت من و معصیت او معصیت من است.

تاکنون هیچ کسی ادعا نکرده است که من وکیل و نماینده امام هادی هستم. شما خواب ببین که آیا من وکیل ایشان هستم یا نیستم. همچنین هیچ کسی ادعا نکرده است که استخاره باز کن ببین من حق هستم یا نیستم.

معیارها و روایات برای اثبات حقانیت اهل بیت در اختیار ماست. بنابراین این افراد از خلأ عدم آگاهی جوانان ما سوء استفاده می‌کنند و جوانان، طلاب ناآگاه و افراد نادانی را از ارگان‌های مختلف صید می‌کنند.

وقتی ما با این افراد ناآگاه و کم اطلاع صحبت می‌کنیم قضیه روشن می‌شود، مگر آن دسته افرادی که عناد دارند و نمی‌خواهند از خواب بیدار شوند. به قول معروف کسی که خواب است را می‌شود بیدار کرد، اما کسی که خودش را به خواب زده امکان بیدار کردنش نیست.

مقابله با فرقه ضاله «احمد بصری» با «برهان مقایسه»!

بنده در رابطه با قضیه یمانی چند نکته را خدمتتان عرض کنم تا همراه داشته باشید. بحث‌های اساسی که ما با این فرقه داریم، بحث‌هایی پیرامون برهان مقایسه‌ای است. ما باید حرفی که آنها می‌زنند را با قرآن و روایات اهلبیت مقایسه کنیم.

برهان مقایسه یکی از بهترین برهان‌هایی است که قرآن کریم بسیار از آن استفاده می‌کند و می‌فرماید:

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ)

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟

سوره زمر (۳۹): آیه ۹

و:

(هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ)

ظلمت‌ها و نور برابرند؟

سوره رعد (۱۳): آیه ۱۶

شما کلمه (یَسْتَوِي) و (تَسْتَوِي) را سرچ کنید، می‌بینید چندین آیه در قرآن کریم هست که می‌فرماید حق و باطل را با هم مقایسه کنید، ظلمت را با نور مقایسه کنید یا علم را با جهل مقایسه کنید.

ما باید حرف‌هایی که «احمد الحسن» می‌زند را مورد مطالعه قرار بدهیم. البته فعلاً ادعاهای او را کار نداریم و تنها کفریاتش را بررسی کنیم. ما باید این حرف‌ها و ادعاهای او را با قرآن مقایسه کنیم.

قرآن کریم قابل استناد است و گمان می‌کنم این آقایان هنوز به آن مرحله نرسیده‌اند که قرآن را انکار کنند، اما شاید در آینده همانند بهائی‌ها به مرحله انکار قرآن هم برسند!!

البته یکی از کارهایی که ما در این زمینه انجام دادیم این بود که حرف‌های «احمد بصری» و سران بهائیت یعنی «حسینعلی بهاء» و «علی محمد باب» را مقایسه کردیم و حدود پنجاه مورد وجه اشتراک پیدا کردیم و تلاش کردیم و از کتاب‌هایشان تصویر گرفتیم.

دوستانی که برنامه‌های ما را در شبکه دیده‌اند، می‌دانند که معمولاً بنده هر حرفی راجع به اهل سنت و وهابیت می‌زنم تصویر، جلد و صفحه کتاب را روی آنتن پخش می‌کنم و می‌گویم برداشت ما از این مطلب این است. شما هم مطالعه کنید که درست است یا خیر!

آیا اینگونه اعتقاد به حضرت ابراهیم و حضرت یونس، ارتداد نیست؟

مشاهده کنید این شخص راجع به حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) چه ادعاهایی دارد. قرآن در رابطه با حضرت ابراهیم خطاب به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

(وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ اتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا)

و پیرو آئین خالص و پاک ابراهیم گردد و خدا ابراهیم را بدوستی خود انتخاب کرد.

سوره نساء (۴): آیه ۱۲۵

تنها پیغمبری که خداوند از میان صد و بیست و چهار هزار پیغمبر به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد از آیین او تبعیت کند، حضرت ابراهیم است. خداوند متعال همچنین به مسلمانان دستور می‌دهد:

(فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

بنا بر این از آئین ابراهیم پیروی کنید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۹۵

همچنین روایات متعددی در این زمینه نیز آمده است. حال کتاب «المتشابهات» اثر «احمد بصری» را ببینید. آقایانی که مطالعه دارند، می‌دانند که «احمد بصری» تحدی کرده است، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ)

اگر در باره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید (لا اقل) یک سوره همانند آن بیاورید.

سوره بقره (۲): آیه ۲۳

ایشان هم می‌گویند من تحدی می‌کنم هیچکسی نمی‌تواند کتابی همانند کتاب «متشابهات» بیاورد و هیچ کدام از مراجع تقلید و علما هم نمی‌توانند به این کتاب پاسخ بدهند.

او اسمش را «سید احمد الحسن» معرفی کرده است، در صورتی که سید نیست و برادران و عموهایش در عراق در خدمت ارتش هستند. دوستان ما با آنها مصاحبه داشتند که عکس و فیلم آنها هم موجود است. این شخص به دروغ می‌گوید که سید است.

او در این کتاب جلد اول صفحه ۳۰ آورده است که وقتی ملکوت آسمان برای حضرت ابراهیم روشن شد، نور امیرالمؤمنین را دید و نتوانست تشخیص بدهد که این نور خداست و یا نور علی بن ابی طالب. حضرت ابراهیم نتوانسته تمیز دهد که آنها مخلوق هستند.

حضرت ابراهیم که تشخیص ندهد آفریننده‌اش خداست یا علی ابن ابی طالب است، به درد تبعیت نمی‌خورد.
حال قرآن کریم که می‌فرماید:

(وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

نستجیر بالله خداوند متعال در شرک حضرت ابراهیم به پیغمبر اکرم دستور تبعیت از او را می‌فرمایند؟ اگر این حرف ارتداد نیست، پس چه می‌تواند باشد؟

این حرف بدان معناست که ما به یک پیغمبر اولو العزم بگوییم که نتوانست نور خدا و آفریننده خود را با نور علی بن ابی طالب تشخیص بدهد. این حرف بدان معناست که توحید حضرت ابراهیم آنقدر بالا نرفته که بتواند تشخیص بدهد.

او در رابطه با حضرت یونس هم در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه ۱۰۴ مطالبی گفته است. دقت کنید اگر کفریاتی در حرف‌های این یمانی نباشد، همین یک عبارت کافی است که مرتد بودنش اثبات شود.

وقتی ما این مطلب را مطرح کردیم، طرفدارانش در شبکه ماهواره‌ای مختلف همانند «المنقذ» جلسه بحث گذاشتند. بنده ده دقیقه راجع به این موضوع صحبت کردم و آنها چندین ساعت به ده دقیقه بنده جواب دادند و در آخر هم نتوانستند جواب درستی بدهند.

او می‌گوید: "یونس در شکم ماهی مُرد و روحش در ظلمات جهنم نگریست". او در صفحه ۱۰۶ ادامه می‌دهد: "من حقیقت را آشکار می‌کنم که جسد او در بیابان عریان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم - نستجیر بالله - تا روز برانگیخته شدن قیامت باقی ماند."

شما از سنی‌ها، وهابی‌ها، سلفی‌ها، یهودی‌ها یا مسیحی‌ها سؤال کنید حکم کسی که نسبت به پیغمبری چنین نسبتی بدهد که خداوند یکی از پیامبران الهی را در آتش جهنم برده و تا قیامت هم عذاب می‌شود، چیست؟

ببینید عالم مسیحی، عالم یهودی یا عالم وهابی در جواب چه می‌گوید؟ ببینید او می‌گوید چنین فردی موحد است، مرتد است یا کافر است؟ اگر این قضیه ارتداد نشود، ما دیگر ارتدادی در اسلام یا شریعت‌ها نداریم. ارتداد که شاخ و دم ندارد!

او این مطلب را در کتابش آورده است که در سایت اتباع یمانی است و ما هم از خودمان نوشتیم. این مطالب را در کتاب «المتشابهات» جلد ۴ صفحه ۱۰۴ و ۱۰۶ قابل مشاهده است.

حال مشاهده کنید قرآن کریم راجع به حضرت یونس چه فرمایشی دارد. ما گفتیم تصویر متن قرآن را آوردیم که بعد نگویند از خودتان نوشته‌اید.

وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

و ذَا النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

مراد از **(ذَا النُّونِ)** حضرت یونس (علیه السلام) است.

(فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ)

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم.

خدای عالم یک قانون کلی برای عموم مسلمانها معرفی می‌کند و می‌فرماید:

(وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیات ۸۷ و ۸۸

همانطوری که حضرت یونس به خاطر ترک اولی گرفتار شد سپس تسبیح خدا گفت و این تسبیح خدا موجب نجات او شد، ای مسلمانان! هر جا که شما گرفتار شدید کافیسست همانند حضرت یونس ذکر بگویید، تا ما شما را از گرفتاری نجات دهیم.

این آیه یک قاعده کلی است. حال «احمد بصری» ادعا می‌کند که حضرت یونس به جهنم رفت و تا قیامت عذاب می‌شود. آیا این انکار قرآن نیست؟ آیا توهین به پیغمبر نیست؟ آیا جسارت به مقدسات مسلمانان نیست؟

حضرت یونس که تنها برای مسلمانان نیست. پیروان تمامی ادیان الهی اعم از یهودی، مسیحی، زرتشتی حضرت یونس را مقدس می‌شمارند. این شخص جسارتی کرده که به مقدسات تمام ادیان ابراهیمی برمی‌گردد. بعلاوه اینکه آیه قرآن را هم انکار می‌کند.

شما از هر عالم و مجتهدی سؤال کنید کسی که یک کلمه از قرآن کریم را انکار کند، چه حکمی دارد؟ اصلاً از خود «احمد بصری» سؤال کنند، اگر کسی که یک آیه قرآن را انکار کند آیا شما او را مسلمان می‌دانید یا نمی‌دانید؟

برخورد ما با این افراد نباید برخورد علمی باشد. شما مناظره امام رضا (علیه السلام) با «یحیی بن ضحاک» را ملاحظه کنید که «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «عیون الاخبار الرضا» آورده و «علامه مجلسی» و دیگران هم نقل کرده‌اند را مطالعه کنید.

نقل شده است «یحیی بن ضحاک» مثل و بدیلی در منطقه خراسان نداشت. این فرد با امام رضا وارد مناظره می‌شود. او ابتدا مناظره را با شبهه آغاز می‌کند و حضرت نیز با شبهه پاسخ می‌دهد. اگر فرصت شود تصویر کتابش را خدمت دوستان نشان بدهم اصلاً مصداق باز فرمایش قرآن کریم:

(وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

و با آن‌ها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۵

همین است. ما در برخورد با کسانی که چنین عقایدی دارند نباید بگوییم «صبحکم الله» یا "حالتان چطور است"، بلکه باید از ریشه بزنی. یمانی‌ها مدعی هستند او فرستاده حضرت مهدی است.

دیشب یکی از عزیزان سؤال می‌کرد: یمانی‌ها به روایت «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» در رابطه با بحث ائمه اطهار استناد می‌کنند. بنده در جواب گفتم: اول سؤال کنید که اصلاً این شخص مسلمان است یا نیست!!

یک نفر می‌تواند به روایات شیعه استدلال کند که اول ثابت کند که من مسلمانم و شیعه هستم، سپس به کتاب‌های شیعه استدلال کند. اول مسلمان بودن را ثابت کنید، بعد اینجا بیاید و به ما جواب بدهد.

یکی از نوچه‌هایشان به نام «عباس فتحیه» که تقریباً گل سرسبد و زبان گویای این فرقه است، می‌گوید: آقای قزوینی! اگر نهنگ شما را بخورد، شما زنده می‌مانید؟

بله درست است. اگر نهنگ مرا بخورد قطعاً زنده نمی‌مانم، اما خداوند عالم داستان حضرت یونس را به عنوان یک معجزه مطرح می‌کند. نهنگ قزوینی را نخورده است، بلکه حضرت یونس را خورد. خداوند عالم می‌فرماید:

(فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)

از طرفی دیگر خدای عالم در سوره مبارکه صافات می‌فرماید:

(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

بعد از اینکه حضرت یونس (علیه السلام) را از شکم ماهی نجات دادیم به سوی قومش که بیش از یک صد هزار نفر بودند، فرستادیم

(فَأَمَّنُوا فَمَرَّغْنَاهُمْ إِلَى جِوْنٍ)

آن‌ها ایمان آوردند و تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم.

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۴۷ و ۱۴۸

من انتظار داشتم آقایان در مورد سؤالی که من پرسیدم جواب معقولی بدهند یا توجیحی کنند. به عنوان مثال بگویند که حضرت یونس در جهنم غضب الهی است.

در مقابل مشاهده می‌کنیم که رُک می‌گویند «احمد الحسن» درست گفته است، حضرت یونس در جهنم است و ماهی هم او را خورده است. آن‌ها همچنین یکسری روایات دروغی هم از دور و اطراف جمع می‌کنند که حضرت یونس مُرد و به جهنم رفت.

انکار خاتمیت پیامبر اسلام، شاهکاری دیگر از «احمد بصری»!

بحث دیگری که مطرح هست، این است که مشاهده کنید قرآن کریم راجع به رسول اکرم چه می‌فرماید:

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ)

محمد پدر هیچیک از مردان شما نبود، ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۴۰

از همه برادران و خواهران عزیز تقاضا دارم که خوب دقت کنند. بحث شیعه و سنی نیست، بلکه یک بحث قرآنی است. بشارت به خاتمیت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از زمان حضرت آدم شروع شده است که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَغْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ)

و بشارت دهنده به رسولی هستم که بعد از من می‌آید و نام او احمد است.

سوره صف (۶۱): آیه ۶

این مسئله اجماع و اتفاقی است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آخرین پیغمبر و خاتم انبیاء است و با آمدن حضرت پرونده نبوت برای همیشه بسته شد.

حال این شخص در کتاب «نبوت خاصه» اثر وصی و فرستاده امام مهدی «سید احمد الحسن» صفحه ۸ مطلبی آورده است.

اگر شما در اینترنت هم روی سایت‌هایشان جستجو کنید، می‌بینید که هنوز مطلبشان را تغییر نداده‌اند. هم متن عربی و هم متن فارسی آن موجود است.

او در این کتاب می‌نویسد: "اگر بگویید خاتمه نبوت با رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مطلقاً خاتمه یافته است، مخالف روایات استمرار نبوت بعد رسول اکرم است." روایت می‌گوید رسالت ادامه دارد، اما قرآن کریم می‌فرماید: رسالت تمام شد!!

ده هزار روایت هم که باشد، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اگر روایتی از ما نقل کردند که مخالف قرآن بود، آن روایت را به دیوار بکوبید.

اگر ده هزار روایت هم باشد وقتی قرآن کریم (خَاتَمَ النَّبِيِّينَ) فرموده است، روایت ادعاست و اینها دروغ می‌گویند. ما حتی یک روایتی نداریم که بعد از رسول اکرم، رسالت نبی مکرم استمرار دارد. بله رسالت پیغمبر اکرم در قالب ولایت ادامه دارد، همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

اما رسالت و نبوت تمام شد. در روایاتی هم که ما داریم آمده است:

«أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸،

ص ۱۰۷، ح ۸۰

تمام روایات ما اینگونه است. ما الی ماشاءالله از این گونه روایات داریم. ایشان باز در جایی دیگر به صراحت می‌گویند:

«انتهاء النبوة و توقفها أمر غیر صحیح»

تفکر متوقف شدن نبوت با آمدن رسول اکرم غیر صحیح است.

«احمد بصری» هم برای خود، و هم برای ائمه مقام نبوت قائل است!!

از طرف دیگر در کتاب «متشابهات» جلد چهارم صفحه ۱۳۵ نسبت به خودش می‌گوید: "بعد از حضرت مهدی دوازده مهدی خواهد آمد. اولین آن‌ها که خود من هستم، دو مقام رسالت و ولایت را با هم دارم." حرف او هم انکار خاتمیت است و هم ادعای نبوت است.

شما از علما سؤال کنید اگر کسی ادعا کند که من پیغمبر هستم چه حکمی در اسلام دارد؟!

واقعاً تأسف می‌خورم بعضی افراد ناآگاه یا بعضی افراد نادان علی‌رغم اینکه این عبارات را در آثار او می‌بینند باز هم نمی‌خواهند دست بردارند. او باز هم در کتاب «نبوت خاتمه» می‌گوید:

«انّ للأئمة و المهدیین مقام النبوة و هم رسل»

او آنجا گفت من مقام رسالت دارم، اما در این جا ادعا می‌کند تمام ائمه هم مقام رسالت دارند. امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین تا حضرت مهدی مقام نبوت دارند!!

«انّ للأئمة و المهدیین مقام النبوة و هم رسل»

ائمه هم نبی هستند و هم رسول هستند.

در کتاب «رجال» اثر «مرحوم کشی» صفحه ۳۰۱ روایتی نقل شده است که امام صادق می‌فرماید:

«مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هرکس بگوید ما پیغمبر هستیم لعنت خداوند بر او باد.

«وَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هرکس هم در ملعون بودن این شخص شک کند لعنت خدا بر او باد.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص ۳۰۱، ح ۵۴۰

حال این شخص ادعا می‌کند ائمه اطهار (علیهم السلام) مقام نبوت و رسالت دارند و همه پیامبر هستند.

بعد از غیبت صغری، فرق انحرافی زیادی بوجود آمدند که قبل از غیبت صغری هم بودند، اما فرقه منحرفی مانند فرقه یمانی‌ها که این چنین بی‌محابا مقدسات دینی و مذهبی را مورد هجمه قرار دهند در طول این چهارده قرن نداشته‌ایم.

جسارت بسیار وقیحانه «احمد بصری» به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

ایشان در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه ۲۶ - نستجیر بالله - می‌گوید: در وجود امیرالمؤمنین ظلمتی بود که اگر آن ظلمت نبود، علی همان محمد می‌شد و اگر ظلمت در وجود علی بن ابی طالب نبود، حضرت به عنوان آخرین پیامبر مبعوث می‌شد و لازم نبود پیغمبر اکرم به پیامبری مبعوث شود!!

بعضی اوقات هرچه فکر می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که شاید افرادی که جذب این فرقه می‌شوند از چرندیات او خبر ندارند و بی‌اطلاعتند. شاید این افراد را آنچنان سحر و جادو کرده‌اند که اصلاً عقلشان را از دست داده‌اند و فکرشان کار نمی‌کند.

اگر همین مطالب را به یک کودک خردسالی که مدت اندکی در این جلسات عزاداری و موعظه علما و روضه خوانی شرکت کرده باشد و مسائل مذهبی را دیده باشد بگویید، او کاملاً قضاوت می‌کند که همه این مطالب کفریات است. او در رابطه با آیه شریفه:

(وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیان‌اند.

سوره عصر (۱۰۳): آیات ۱ و ۲

او در کتاب خود می‌نویسد: مراد از (الْإِنْسَانِ) علی بن ابیطالب است. نمی‌دانم شاید این شخص بیکار بوده یا معذوریت داشته که چنین حرفهایی زده است.

وهابی‌ها و «ابن تیمیه» که تمام وجودش از قدم یا قَرَن مملو از عداوت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است، نشنیدم چنین حرفی را راجع به حضرت زده باشد. در روایتی آمده است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ عَالَمٌ
عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَنِ الْإِنْسَانِ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَعْدَاءَنَا»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲،

ص ۶۵۶، ح ۱

در روایتی دیگر آمده است:

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَبَا جَهْلٍ»

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۳، ص ۶۱،

فصل فی أنه مع الحق و الحق معه

حال احمد بصری می‌گوید مراد از (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) علی بن ابی طالب است.

در رابطه سید الشهداء امام حسین (علیه السلام) در «المتشابهات» جلد ۲ صفحه ۳۰ عبارتی را از دعای عرفه می‌آورد و می‌گوید: "در وجود امام حسین یک نوع شرک بود. فقط من، از این نوع شرک ندارم، اما امام حسین

(علیه السلام) دچار شرک شده بود."

به ادعای این شخص حضرت ابراهیم مشرک بود، حضرت یونس جهنمی بود. پیغمبر هم که خاتم نیست، او خودش پیغمبر است. مراد از (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) هم علی بن ابی طالب است. امام حسین هم که مشرک بود. پس چه چیزی باقی می ماند؟!؟

بنابراین یک سری مباحثی است که واقعاً نمی دانم او از بیان کردن آنها چه قصدی داشته است.

او همچنین نسبت به بزرگان اعم از مقام معظم رهبری اخیراً مطالبی بیان کرده که جدیدترین دست پختی است که این آقایان داده اند. او می نویسد: منظور بنده شخص مقام معظم رهبری است... عمر بن خطاب در سقیفه بدون حتی یک دلیل حاکم شد.

معلوم می شود او اصلاً الفبای اسلام را هم بلد نیست، زیرا در سقیفه ابوبکر حاکم شد و عمر بن خطاب نبود!!

او می گوید: "در سقیفه بدون یک دلیل عمر بن الخطاب حاکم و ولی امر شد، دقیقاً مانند مقام معظم رهبری. من برای عقلا می گویم که آنها را ولی امام با نص الهی معین کرده است." ببینید چه تعابیر وقیح و زشتی را به کار برده است.

ملاحظه کنید این شخص نسبت به آیت الله سیستانی (حفظه الله تعالی) چه تعابیری به کار برده است. من نمی توانم بخوانم، خودتان بخوانید.

آیا «احمد الحسن» با این تفکرات رهبر و نماینده امام زمان شده است؟! آیا او می خواهد زمینه ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را فراهم کند؟

این تعابیر و حرفها قسمت های خوب آن است که بیان کردم. او بعضی حرفهایی دارد که من خجالت می کشم در پرده بگذارم تا شما بخوانید.

اهانت دیگر او به آیت الله مکارم شیرازی است که نسبت به ایشان تعبیر بسیار زشتی دارد. آیا سیره اهل بیت چنین است؟ قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

(معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبادا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند.

سوره أنعام (۶): آیه ۱۰۸

قرآن کریم به صراحت دستور می‌فرماید که شما نسبت به بت پرست‌ها حق توهین کردن ندارید. ظاهراً وقت ما تمام شده است. صلواتی ختم بفرمایید و اگر سؤالی هست بفرمایید.

از مسؤلین برگزاری جلسه:

سلام علیکم و رحمة الله. از اینکه از ابتدا حاج آقا و مؤسسه را معرفی نکردم عذر می‌خواهم. گمان می‌کردم که دوستان این زحمت را می‌کشند.

«مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» بهترین مؤسسه پاسخگویی به مسائل شبهات در قم است و بیشترین شبهات وهابیت را استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی کار کرده‌اند. در اینترنت هم نام «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» را می‌بینید.

بسیار از شما عزیزان با اینترنت سروکار دارید. اگر آیت الله دکتر حسینی قزوینی را جستجو بزنید، اکثر کلیپ‌هایی که ایشان جواب می‌دهند را پیدا می‌کنید.

ان شاءالله نکاتی که فرمودند مقدمه‌ای باشد برای بحث‌هایی که شما قدری نسبت به بحث تحقیقات در خصوص گروه‌هایی به تعبیر حاج آقا طرفداران «احمق الحسن» که در شهرهای کاشمر و خلیل آباد کار می‌کنند، آشنا شوید.

حداقل شما که شجره طیبه صالحین و از گروهایی هستید که باید یک مقدار اطلاعاتتان بیشتر باشد، امیدواریم خودتان اهل مطالعه باشید و ان شاءالله از این جلساتی که بیشتر سعی می‌کنیم برگزار شود بیشترین استفاده را ببرید.

با توجه به اینکه حاج آقا در دانشگاه کاشمر برنامه دارند، امیدواریم چند سؤال را سریع پاسخ بدهند. ایشان زحمت کشیدند اصل این مطالب را به صورت word و pdf داخل در سایت قرار داده‌اند که امیدواریم که استفاده کنید.

در ضمن مناظرات و کتابهایی که ایشان داشتند در آنجا موجود است. باز هم اگر سؤال و ابهامی بود در خدمت حاج آقای نوری، حاج آقای خزائی و دوستان بزرگواری که در صالحین کار می‌کنند هستیم تا ان شاءالله ارتباطی با مؤسسه باشد.

امیدواریم که بتوانیم از این وضع و احوال و مسائل کمتر داشته باشیم. نکته آخر اینکه چند روزی در خدمت حاج آقا در قم بودیم، عرض کردم ما نسبت به مسئله مهدویت کار نکردیم.

اگر ما در این زمینه کار می‌کردیم و امام زمان را معرفی می‌کردیم، احمق الحسن‌ها فرصت نمی‌کردند که نسبت به جریان حضرت ولی عصر انحراف درست کنند.

امیدواریم که نسبت به امام زمان هم کارهایی صورت بگیرد؛ امام زمانی که قرآن کریم و اهل بیت و مراجع می‌فرمایند و از روایات استنباط می‌کنند. همچنین امیدواریم مشکلات این چینی در شهر خلیل آباد هم نباشد. به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

آیه‌الله دکتر حسینی قزوینی:

دوستان چندین سؤال مطرح کردند. یکی از عزیزان نوشتند: "من با بعضی از طرفدارانشان صحبت می‌کنم. آن‌ها اطلاعاتشان طوری است که با همین شرک مردم را قانع می‌کنند."

این قضایا نشانگر این است که ما مقداری ضعیف برخورد می‌کنیم. ما باید قوی‌تر برخورد کنیم. کسی که می‌گوید: "پیغمبر اکرم خاتم انبیاء نیست"، "پیغمبر اکرم نستجیر بالله گرفتار جهنم شده است" یا "امیرالمؤمنین چنین است" ما را به کجا می‌کشاند؟

ایشان اگر واقعاً راست می‌گویند بنده بارها عرض کردم که آماده هستم با ایشان مناظره و مباحثه کنم. ما بیش از دو سه سال است که اعلام آمادگی کردیم، اما نه طرفدارانش حاضر شدند و نه خودش حاضر شد برای مناظره بیاید. احمد الحسن کاملاً در جریان کار است.

سال گذشته در پیاده روی اربعین حسینی ما بلایی بر سر این یمانی‌ها آوردیم که در این بیست سال کسی چنین کاری با آنها نکرده بود.

ما برای اولین بار موکبشان را ویران کردیم و با کمک عزیزان حشد الشعبی و دیگر دوستانمان پرچمشان را پایین آورده و تکه تکه کردیم و داغی بر دلشان گذاشتیم که صدایشان به آسمان رفت. چرا برای مناظره نمی‌آیند؟ مناظره در فضای مجازی است و ما آماده هستیم.

سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» که دوست عزیزمان معرفی کردند سایت رسمی ماست و دوستان می‌توانند ملاحظه کنند.

سایت مسلط به چند زبان فارسی، عربی، اردو، انگلیسی هست و بخش اینترنتی هم به صورت آنلاین بیست و چهار ساعت فعال است و هرکجای دنیا هستند ما آماده مناظره هستیم.

زحمت مناظره یک اینترنت است. این افراد اگر پول اینترنت هم ندارند، شماره حساب بدهند پول اینترنت می‌فرستیم، فضا تهیه کنند تا با هم مناظره کنیم.

آن‌ها خیلی راحت می‌توانند پیام بدهند یا یک فضای مجازی که آنلاین پخش کند به ما معرفی کنند تا ما برای مناظره برویم. اذیت کردن و به دردسر انداختن هم ندارد.

پرسش:

وقتی یمانی‌ها ما را به طرف خودشان دعوت می‌کنند، وظیفه ما در برابر این افراد چیست؟

پاسخ:

عزیزان عرض کردم با توجه به تجربه‌ای که داریم، ما باید نقطه ضعف و ضربه پذیر طرف مقابل را پیدا کنیم.

بحث اینکه در روایات چنین آمده است، حدیث وصیت چنین است یا حدیث یمانی چنان است را کار نداریم.

ما دلیل می‌آوریم که ایشان کافر و مرتد است. در مقابل شما از کفر ایشان دفاع کنید و اثبات کنید که مسلمان است. وقتی ثابت کردید مسلمان است بعد راجع به آیات و روایات بحث می‌کنیم.

پرسش:

راجع به ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حقانیت شیعه زیبا ترین دلیل شما چیست؟

پاسخ:

ما بحثی تحت عنوان اثبات امامت الهی و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین در پنج دقیقه از کتاب و سنت آن هم از کتب اهل سنت داریم که در سایت هم قرار دادیم.

ما آیات ۳، ۵۵ و ۶۷ سوره مائده را انتخاب کردیم که این سه آیه امامت و خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را اثبات می‌کند. حال فرصت نیست که مصادر آن را بیان کنم.

در روایات هم سه روایت در این زمینه داریم. اولین روایت حدیث ولایت است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین فرمود:

«أنت ولی کل مؤمن بعدی ومؤمنة»

تو ولی امر تمام مرد و زن مؤمن بعد از من هستی.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۴۳، ح ۶۵۲

اهل سنت این روایت را با سند صحیح نقل کرده‌اند. «حاکم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین»

جلد ۳ صفحه ۱۴۳ و همچنین «البانی» در کتاب «سلسله الاحادیث الصحیحة» جلد ۵ صفحه ۲۲۲ این روایت را

نقل کرده است. پیغمبر اکرم باز هم در حدیث خلافت فرمود:

«وأنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبی عاصم الضحاک الشیبانی، دار النشر: المکتب الإسلامی - بیروت -

۱۴۰۰، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۱۱۸۸

این روایت همچنین در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد ۳ صفحه ۱۳۳ نقل شده است. پیغمبر اکرم بازهم فرمود:

«قال رسول الله أوحى إلى في على ثلاث أنه سيد المسلمين وإمام المتقين وقائد الغر المحجلين»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۴۸، ح ۴۶۶۸

این روایت همچنین در کتاب «مناقب خوارزمی» صفحه ۶۰ وارد شده است. طبق این روایات پیغمبر اکرم فرمودند: علی بن ابی طالب ولی مؤمنین است، خلیفه من است و امام مؤمنین است. این روایات همگی از کتب اهل سنت است با سند صحیح و محکم آمده است.

ما می‌توانیم این بحث پنج دقیقه‌ای را به فرزندانمان و عزیزانی که به جلساتمان می‌آیند آموزش دهیم و این مطالب را نهادینه کنیم.

باید فرزندان خود را طوری آموزش دهیم تا وقتی به دبیرستان یا دانشگاه رفت، احساس کند اعتقاداتش از دوران کودکی اعتقادات برهانی و استدلالی است. امیدواریم عزیزانمان موفق و مؤید باشند.

خدایا تو را به آبروی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم فرج مولای ما حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده. خدایا انقلاب ما با انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما.

خدایا بر تمام مجاهدین و رزمندگانی که در سراسر جهان در جبهه‌های حق علیه باطل می‌جنگند بویژه عزیزان ما در یمن پیروزی نهایی نصیبشان بگردان.

بر بیماران ما بویژه معلولین شفای عاجل و عافیت کامل عنایت بفرما. خدایا دعا‌های ما به اجابت برسان. خدایا حوائج ما برآورده نما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین و صالحین بالاخص امام راحل دو یادگارش صلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته